

واکاوی راهکارهای اجرایی نمودن اقتصاد مقاومتی مبتنی بر

فرهنگ علوی

اصغر طهماسبی^۱

چکیده

نهج البلاغه بیانگر مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌ها و بایدها و نبایدهایی است که از سیره امام علی (ع) که مبتنی بر قرآن و سنت نبوی است، نشأت گرفته است. در این میان یکی از مباحثی که همواره مورد توجه قرار گرفته، اهتمام به اقتصاد سالم و پویاست. اقتصاد مقاومتی هم به لحاظ تبیینی و هم به لحاظ ضمانت اجرایی، در فرهنگ علوی تشریح شده است. در این فرهنگ، غایت اقتصاد، رفع فقر و فاصله طبقاتی در جامعه و برقراری عدالت از یکسو و نائل شدن به استقلال اقتصادی از سوی دیگر است. نوشتار حاضر برجسته‌ترین راهکارهای اجرایی نمودن اقتصاد مقاومتی مبتنی بر فرهنگ علوی را در محورهای: آسیب‌شناسی اقتصاد مقاومتی، اشتغال‌زایی، رفع فقر و فاصله طبقاتی و تشویق به استقلال اقتصادی بیان داشته و در این خصوص به مهمترین شاخصه‌های هر محور به لحاظ مؤلفه‌های اقدامی اشاره نموده و نشان داده که با فرهنگ‌سازی صحیح از یکسو آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان؛ tahmasebiasghar@yahoo.com

ناشی از فقر و کمبود مالی کاهش می‌یابد و از سوی دیگر، تعالی اقتصادی و معنوی خانواده در سطح خرد و استقلال و اقتدار اقتصادی کشور و سلامت اقتصادی در سطح کلان فراهم می‌گردد.

کلیدواژگان: اقتصاد مقاومتی، فرهنگ علوی، راهکارهای اقتصادی، عدالت، فقر، فاصله طبقاتی

مقدمه

دین اسلام به عنوان دینی کامل و جامع به تمام جوانب زندگی انسان توجه داشته و بایدها و نبایدهای یک زندگی شایسته را بیان داشته است. فرهنگ علوی که مبتنی بر آموزه‌های قرآن و سنت نبوی است از این اصل مستثنی نبوده و راهکارهای مهم و متقنی در اکثر زمینه‌ها فرا روی ما قرار داده است. از جمله موارد مهمی که در این فرهنگ به آن توجه شده، اقتصاد سالم و پویاست. در نهج البلاغه فقر از شریان‌های ورود به کفر معرفی گردیده و در رفع آن از جامعه تأکیدات فراوانی شده و سراسر در سیره و کلام امام علی (ع) به اقتصاد مقاومتی که می‌تواند به رفع فقر و فاصله طبقاتی و اقتصاد سالم کمک کند، اشاره شده است. اقتصاد مقاومتی بر محوریت اسلامی بودن و توجه به اصل حلال و حرام بودن درآمدهای خرد (فردی) و کلان (اجتماعی) و همچنین توجه به حق‌محوری مبتنی است به‌گونه‌ای که غایت آن فراهم نمودن آرامش و آسایش برای جامعه و ریشه کن کردن فقر و فاصله طبقاتی از یکسو و رسیدن به قرب الی‌الله از سوی دیگر می‌باشد. باید توجه

داشت که فرهنگ علوی همان فرهنگ اسلامی است چرا که حجیت قول و فعل و تقریر امام علی (ع) مستند به آیات قرآن و روایات قطعی الصدور از پیامبر اکرم (ص) از منظر فریقین است. بنابراین مطالبی که در هر زمینه اعتبار سندی و محتوایی آن در استناد به امام علی (ع) اثبات شود، قابلیت اجرایی داشته و جزء دین محسوب می‌شود. نوشتار حاضر ضمن تبیین مفهوم فرهنگ علوی، راهکارهای اجرایی در ابعاد فردی و اجتماعی را بیان می‌دارد و در این خصوص به مهمترین شاخصه‌ها و مؤلفه‌ها اشاره می‌کند.

۱. مفهوم‌شناسی فرهنگ علوی

برای واژه «فرهنگ» معانی مختلفی ذکر شده است، این واژه مرکب از «فر» و «هنگ» می‌باشد. «فر» به معنای بینش، شأن، شکوه و زیبایی (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۰ / ۱۴۹۹۳؛ معین، ۱۳۷۱: ۲ / ۱۷۱۵) و «هنگ» به معنای کشیدن، سنگینی، وقار، قدرت، هوش، لشکر و غمخواری می‌باشد (عمید، ۱۳۸۸: ۹۰۷). واژه «فرهنگ» در مجموع به معنای جلو کشیدن، علم و دانش، ادب، معرفت، تعلیم و تربیت به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۰ / ۱۵۱۰۹؛ معین، ۱۳۷۱: ۲ / ۱۷۴۵). در زبان عربی واژه «فرهنگ» با واژه «الثقافة» بیان می‌شود که مصدری از باب «تَقَفَ - يَتَقَفُ» به معنای متبحر و حاذق شدن است (ابن منظور، ۱۹۷۰م: ۹ / ۲۰؛ زبیدی، ۱۴۰۶ ق: ۶۰). معادل انگلیسی فرهنگ کلمه «Culture» به معنای پروراندن و تقویت خاک، عمل بار آوردن کاری در جهت تولید و حاصلخیز کردن است (وٹوقی، ۱۳۸۶: ۱۱۶).

درباره معنای اصطلاحی «فرهنگ» اختلافات زیادی وجود دارد و در این باره تعاریف متعددی ارائه شده است؛ چنانکه برخی سیصد تا پانصد تعریف برای آن

ذکر کرده‌اند (ر.ک: روح الامینی، ۱۳۷۴: ۱۴۷). *دائرةالمعارف لاروس* مفهوم اصطلاحی «فرهنگ» را این‌گونه بیان کرده است: فرهنگ عبارت است از مجموعه اموری که به تمدن خاص یک گروه اجتماعی مربوط می‌شود. به بیان دیگر، فرهنگ به مجموعه‌ای اطلاق می‌گردد که شامل معارف، اعتقادات، هنر، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم و هر نوع مقررات و عادات دیگری باشد که انسان به‌عنوان عضوی از جامعه آن را کسب کرده است (رفیع، ۱۳۷۳: ۲۶۶).

با توجه به تعاریفی که درباره فرهنگ ارائه شده از نگاهی می‌توان فرهنگ‌ها را به دو دسته تقسیم نمود: فرهنگ‌هایی که در ادراکاتشان واقعیت را فقط واقعیت مشهود می‌دانند و فرهنگ‌هایی که علاوه بر واقعیت مشهود، به واقعیت غیب نیز باور دارند. در دسته اول، وسایل شناخت در خدمت دریافت، فقط واقعیت قابل مشاهده است و در دسته دوم، این ابزار برای دریافت واقعیت قابل مشاهده و نیز واقعیت غیب به‌کار می‌رود. کسانی که به هر دو نوع واقعیت قائلند از ادیان تبعیت می‌کنند (زاهد، ۱۳۹۰: ۸۳-۸۲). در جامعه‌ای که واقعیت غیب و مشهود هر دو مورد نظر است، انسان اشرف مخلوقات است. وقتی انسان اشرف مخلوقات تلقی شود، همه موجودات برای او در نظر گرفته می‌شود و حاکمیت بلامنازع بر دیگر موجودات توجیه می‌گردد (زاهد، ۱۳۸۷: ۲۱۳). در بینش اسلامی، «فرهنگ» علاوه بر اتکاء به غیب و شهود، به مجموعه‌ای از ارزش‌ها، الگوهای رفتاری و رفتارهای انسانی گفته می‌شود که ریشه در مبدأ و معاد دارند و برای به فعلیت رساندن قابلیت‌های فطری بشر شرایط مساعد را پدید می‌آورند. عقل و خرد به‌عنوان مهمترین

ویژگی انسانی در ارزیابی و پیشرفت دائمی ارزش‌ها و بلوغ فرهنگ نقش مؤثر دارد (علیزاده و همکاران، ۱۳۸۴: ۴۶).

از این‌رو با توجه به اینکه سیره و کلام امام علی (ع) مبتنی بر قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) است، «فرهنگ علوی» مجموعه‌ای از باورها، رفتارها، ارزش‌ها، بایدها و نبایدها و قواعدی است که از سیره علمی و عملی امام علی (ع) سرچشمه می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که محوریت جامعه اسلامی در همه ابعاد فردی، اجتماعی، اخلاقی، عبادی، اقتصادی و سیاسی بر پایه این فرهنگ استوار می‌گردد.

۲. مبانی اجرایی نمودن اقتصاد مقاومتی

برای اینکه اقتصاد مقاومتی به اهداف خود نایل گردد لازم است دو محور اساسی به‌عنوان مبانی اجرایی آن مورد توجه قرار گیرد:

الف) تبیین و فرهنگ‌سازی اقتصاد مقاومتی

رسیدن به نتایج مطلوب در اقتصاد مقاومتی نیازمند تبیین همه‌جانبه آن می‌باشد، به این معنا که اهداف، بایدها و نبایدهای اقتصاد مقاومتی برای تمامی اقشار جامعه متناسب با شغل یا نقش آنها تبیین گردد و وظایف هر گروه متناسب با آن روشن شود.

ب) به اجرا درآوردن راهکارهای اقتصاد مقاومتی

تبیین و فرهنگ‌سازی به تنهایی علت ناقص است و با به اجرا درآمدن صحیح آن تام می‌گردد. رویکرد اجرایی نسبت به فرهنگ‌سازی اقتصاد مقاومتی، شریان اصلی در تحقق آن و رسیدن به نتایج مطلوب است. همان‌گونه که نقش و وظایف هر یک از اقشار جامعه تبیین می‌گردد، وظایف اجرایی آنها نیز تعیین

شده و ضامن اجرایی آن تثبیت می‌شود. این دو مبنای مهم می‌تواند در شکوفایی اقتصادی و رفع فقر و مشکلات اقتصادی جامعه بسیار مؤثر باشد.

۳. راهکارهای اجرایی اقتصاد مقاومتی مبتنی بر فرهنگ علوی

در آموزه‌های اسلام، فقر از شریان‌های ورود به کفر معرفی شده و بر اقتصاد صحیح و پویا به دور از آسیب‌هایی چون ربا و اختلاف طبقاتی و ... تأکید شده است. این مطلب حاکی از اهمیت اقتصاد در زندگی معنوی می‌باشد. در فرهنگ علوی و به‌طور خاص در نهج البلاغه، نه تنها تئوری اقتصاد مقاومتی و پویا ترسیم شده بلکه راهکارهای اجرایی و ضامن اجرای آن نیز بیان گردیده است. اگر این راهکارها به فعلیت برسند به‌لحاظ غایی دو نتیجه مهم را به ارمغان خواهند آورد: (۱) سلامت خانواده و امنیت اجتماعی-اقتصادی جامعه، (۲) استقلال اقتصادی جامعه. مهمترین راهکارهای اجرایی اقتصاد مقاومتی برگرفته از سیره و کلام علوی را در چهار محور می‌توان برشمرد:

۳-۱. راهکارهای اجرایی جهت اشتغال‌زایی

الف) توسعه فرهنگ تلاش و کوشش

در قرآن کریم حدود ۴۰۰ آیه در تشویق به کار و تلاش و ارزش و اهمیت آن آمده است (نادعلی، ۱۳۹۱: ۹۶)؛ چنانکه می‌فرماید: «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ * وَ أَنْ سَعِيهِ سَوْفَ يُرَىٰ * ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَىٰ» (نجم/۳۹-۴۱). در کلام و سیره علوی نیز بر اهمیت کار و تلاش و کوشش و کسب روزی حلال بسیار تأکید شده است (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۷۶ق: ۳/ ۱۶۸؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق: ۴/ ۶؛ کلینی، ۱۳۶۴: ۵/ ۸۸). امام علی (ع) همواره در امور خانه به فاطمه (س) کمک می‌کرد و شخصاً به کار و تلاش در مزرعه می‌پرداخت، زمین را

می‌کند، آن را شیار و آبیاری می‌کرد، بارهای هسته خرما را بر روی شانه می‌گذاشت و به صحرا می‌برد و بر زمین می‌فشاند و اگر دانه‌ای از آن بر زمین می‌افتاد، خم می‌شد و آن را برمی‌داشت و می‌فرمود: امروز هسته است و فردا خرما برقی قمی، بی‌تا: ۵۵). از این رو می‌توان گفت در فرهنگ علوی، کار و تلاش تنها در جهت رفع نیازهای شخصی و خانوادگی نیست، بلکه جنبه اجتماعی کار نیز مورد توجه است؛ به گونه‌ای که ثمرات آن بر اقشار کم‌درآمد جامعه نیز تأثیر می‌گذارد. این مهم در سیره عملی امام (ع) آشکار است؛ چنانکه ایشان علاوه بر رسالت زمامداری و امامت، به کارهای زراعت و باغبانی می‌پرداخت و درآمد آن را صرف فقرا و ایتام و اقشار کم‌درآمد جامعه می‌نمود. ایشان درباره اهمیت تلاش و کوشش می‌فرماید: کشیدن سنگ‌های گران از قله‌های کوه، نزد من از کشیدن منت دیگران محبوب‌تر است. مردم به من می‌گویند: کار برای تو عیب است و حال آنکه عیب آن است که انسان دست سؤال نزد مردم دراز کند (قریشی، ۱۳۶۶: ۶).

در فرهنگ علوی، کار ملاک برتری بعضی بر بعضی دیگر معرفی شده نه امتیازات قبیله‌ای و موروثی، به گونه‌ای که پاداش افراد بر اساس میزان کار آنها می‌باشد (جرداق، ۱۳۷۶: ۱ / ۲۳۵). علاوه بر این، نحوه کار و تقسیم‌بندی آن متناسب با ظرفیت‌های جسمی افراد در نظر گرفته شده است؛ درست در مقابل برخی فرهنگ‌های غلط امروزی که ملاک را صرفاً کار قرار می‌دهند و به ظرفیت و قابلیت افراد توجه ندارند مانند واگذاری کارهای نامتعارف و دشوار به زنان که علاوه بر برهم زدن سلامت جسمی و تخریب شخصیت اجتماعی زن، کیان خانواده را نیز از هم می‌پاشد و آسیب‌های اجتماعی

متعددی را به همراه خواهد داشت. حال آنکه امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «لا تملك المرأة من امرها ما جاوز نفسها، فان المرأة ريحانة و ليست بقهرمانه؛ کاری را که برتر از توانایی زن است به او وا مگذار، که زن گل بهاری است نه پهلوانی سخت کوش» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

در فرهنگ علوی آفت‌های کار و تلاش مطلوب و مؤثر آسیب‌شناسی شده و مهمترین آنها بیکاری^۱ (تمیمی آمدی، ۱۳۷۹: ۱/۲، ۱۰۴۳) و تنبلی و سستی^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷۳/۱۶۰) بیان شده است. افراد جامعه نباید در انتظار دیگران بنشینند و در پی این باشند که با آنان یا برای آنان کار کنند، بلکه باید خود کمر همت بسته و به تلاش و کوشش برخیزند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲: ۲۲/۵۵۲-۵۵۳). عزت و استقلال هر ملتی در گرو همت و تلاش آن ملت است؛ چنانکه فرومایگی و زبونی هر ملتی، پیامد تنبلی و راحت‌طلبی و بیکاری اوست (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۵۳-۱۵۲). از این رو کار در هر شغل و لباسی از راه حلال آن نه تنها مطلوب بوده بلکه جنبه معنوی نیز به همراه داشته و تعالی جامعه را در پی خواهد داشت.

همه این موارد به اهمیت تلاش و کوشش در تأمین نیازهای فردی و در سطح کلان اجتماعی اشاره دارد و بر این نکته تأکید می‌کند که رونق اقتصادی هر جامعه مرهون تلاش و کوشش افراد آن جامعه می‌باشد.

۱. «آفة العمل البطالة».

۲. «من اطاع التواني ضيع الحقوق».

ب) توجه به تولید و نقش اقتصادی آن

از منظر اسلام رعایت دو عنصر محوری در این خصوص مطلوب است: سعی در تولید برای رفاه جامعه؛ قناعت در مصرف و مناعت طبع برای ترقی روح (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۷/۲۱۸). در فرهنگ علوی به تولید و اشتغال توجه زیادی شده است؛ چنانکه امام علی (ع) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ الْمُحْتَرِفَ الْأَمِينُ؛ خداوند انسان شاغل امین را دوست دارد» (کلینی، ۱۳۶۴: ۵/۱۱۳). امام (ع) حتی در خصوص گرفتن مالیات خطاب به کارگزاران خود می‌فرماید: به سبب مالیات، لباس تابستانی و زمستانی مردم و رزقی که می‌خورند را نفروشید و چهارپایی را که با آن به کار مشغولند، از دستشان نگیرید و بر احدی به جهت یک درهم تازیانه مزیند و روی دو پایش نگه ندارید. هیچ چیز از اثاث زندگی آنان را به فروش نرسانید؛ زیرا برنامه ما آن است که با گذشت و اغماض از مردم مالیات بگیریم و توجه تو به آبادانی زمین بیشتر از جمع آوری مالیات باشد» (جرداق، ۱۳۷۶: ۲/۲۳۹). همچنین ایشان در نامه ۵۳ *نهج البلاغه* خطاب به مالک اشتر نسبت به تجار و صنعتگران و کشاورزان سفارشات متعددی می‌فرماید. امام صادق (ع) درباره امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: امیرمؤمنان (ع) همیشه به عمال و کارمندان سفارش کشاورزان را می‌نمود (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۱۳/۲۱۶).

۲-۳. راهکارهای اجرایی جهت رفع مفسد اقتصادی

منظور از مفسد اقتصادی، آفت‌هایی است که اقتصاد سالم را تهدید می‌کند. برخی از این آفت‌ها مرتبط با زندگی فردی و برخی دیگر اجتماعی می‌باشند. مهمترین راهکارهای اجرایی در جهت رفع آسیب‌های اقتصادی عبارتند از:

الف) انضباط اقتصادی

انضباط اقتصادی یکی از مهمترین راهکارهای اجرایی در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی است که حیطة اجرای آن هم جنبه فردی دارد و هم جنبه اجتماعی و می‌تواند تعالی اقتصادی و معنوی جامعه را فراهم آورد. انضباط اقتصادی به معنای تجارت سالم و پویا و به دور از ربا و کم‌فروشی و قمار است. قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال همدیگر را به ناروا نخورید - مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر از شما [انجام گرفته] باشد- و خودتان را مکشید، زیرا خدا همواره با شما مهربان است» (نساء / ۲۹). رمز اینکه نهی از قتل «لا تقاتلوا» به دنبال نهی از حرام‌خوری «لا تأكلوا» آمده است، شاید آن باشد که سیستم اقتصادی ناسالم، زمینه قیام محرومان علیه زراندوزان و بروز درگیری‌ها و پیدایش قتل و هلاکت جامعه را فراهم خواهد کرد (قرائتی، ۱۳۸۴: ۲ / ۲۷۴).

در فرهنگ علوی عدم پرداخت قرض (کلینی، ۱۳۶۴: ۵ / ۹۵) ربا و قمار و کم‌فروشی (عروسی حویزی، بی‌تا: ۱ / ۴۷۱) و احتکار (حر عاملی، ۱۴۰۳ق: ۱۷ / ۴۲۵؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق: ۲۸۵) از مصادیق اقتصاد ناسالم معرفی شده‌اند که در تقابل با انضباط اقتصادی هستند. همچنین از مهمترین آفت‌های انضباط اقتصادی «احتکار» معرفی شده است، زیرا در شرایط حساس می‌تواند آسیب‌های جدی به اقتصاد خانواده و جامعه وارد کند؛ به خصوص در زمان تحریم‌ها. امام علی (ع) خطاب به کارگزاران خود در برخورد با محتکر می‌فرماید:

«از احتکار نهی کن و پس هر کس مرتکب آن شد، تنبیه بدنی کن و با آشکار ساختن آنچه احتکار کرده او را مجازات کن» (حر عاملی، ۱۴۰۳ق: ۱۳ / ۲۷۷). علاوه بر این تأکیدات، حضرت (ع) شخصاً نیز با احتکار برخورد می‌نمود (ابن حزم اندلسی، ۱۴۰۸ق: ۷ / ۵۷۳). در سیره امام (ع) روایات متعددی درباره نهی از اقتصاد ناسالم و توجه به انضباط اقتصادی بیان شده است (آمدی، ۱۳۷۹: ۳۰۴). از این رو اگر در جامعه انضباط اقتصادی حاکم گردد، جامعه دچار انتحار نمی‌شود و روابط سالم اقتصادی، زندگی اجتماعی سالم را رونق می‌بخشد و جامعه را به سمت و سوی کمال و سعادت رهنمون می‌سازد.

ب) نهی از استفاده از کالای قاچاق

از مهمترین راهکارهایی که می‌تواند به اجرایی نمودن اقتصاد مقاومتی جامع عمل بیوشاند، اهتمام به تولید داخلی و مصرف داخلی و نهی از استفاده از کالای قاچاق است. قاچاق کالا یکی از مسائلی است که همواره اقتصاد کشورهای در حال توسعه را تهدید می‌کند. این امر علاوه بر خروج ارز بدون عوارض گمرکی و مالیات، موجبات نابودی اقتصاد ملی را به همراه می‌آورد و ورود کالای قاچاق به بازار مصرف با قیمت نازل، قدرت تولید و رقابت را از تولیدکنندگان داخلی می‌گیرد و در نتیجه رکود اقتصادی و ورشکستگی را برای ایشان به ارمغان می‌آورد. از سوی دیگر، با ورشکستگی و تعطیلی واحدهای تولیدی، بیکاری گسترده شده و فشارهای سنگین اقتصادی بر اقشار مختلف جامعه به خصوص قشر کم‌درآمد و آسیب‌پذیر بیش از پیش می‌گردد و تحقق برنامه‌های اقتصادی و سیاسی با شکست مواجه می‌شود.

در فرهنگ علوی، اصول رعایت تولید داخلی و حمایت از آن، مبتنی بر فرهنگ دینی است. امیرالمؤمنین علی (ع) در این باره می‌فرماید: «مادامی که این امت لباس بیگانه نپوشند و از غذاهای آنان استفاده نکنند، همواره در خیر خواهند بود و هنگامی که چنین کنند، خداوند آنان را ذلیل خواهد کرد» (برقی، ۱۴۱۶ق: ۲ / ۱۷۸). در اینجا مقصود از «لباس بیگانه»، لباس غیرمسلمان است که به معارف الهی اعتقاد نداشته باشد. تأکید امیرالمؤمنین (ع) بر این است که وابستگی در مصرف به بیگانگان امر مذمومی است و امت اسلامی نباید در پوشاک و خوراک خود به بیگانه نیازمند باشد؛ چراکه در صورت چنین نیازی ذلیل خواهد بود. از این رو وقتی استفاده از پوشاک و خوراک بیگانه امر مذمومی تلقی می‌گردد، خرید و فروش این اجناس در بازار اسلامی نیز بدون تردید مذموم خواهد بود. الگوپذیری از بیگانگان در نوع و مقدار کالاهای مصرفی، از جنبه‌های گوناگون به جامعه اسلامی زیان می‌رساند؛ از جنبه اقتصادی این کار بیشتر موجب ترویج مصرف کالاهای خارجی و بی‌توجهی به تولیدات و کالاهای داخلی می‌شود که افزون بر خارج ساختن سرمایه از کشور، بر تولید و اقتصاد ملی ضربه وارد می‌سازد. از جنبه اجتماعی - فرهنگی نیز نوعی تبلیغ عملی و ترویج فرهنگ بیگانه و تهدیدی برای اصالت فرهنگی و حتی دینی جامعه اسلامی به شمار می‌رود؛ به ویژه آنکه الگوپذیری در مصرف، ناخواسته الگوپذیری در اخلاق و رفتار را نیز در پی خواهد داشت (ایروانی، ۱۳۸۴: ۲۸۷).

ج) پرهیز از اسراف

از جمله موارد مهم در اجرایی کردن اقتصاد مقاومتی، فرهنگ‌سازی استفاده صحیح از نعمت‌های الهی است؛ چنانکه قرآن کریم در موارد متعدد مردم را به استفاده صحیح از نعمت‌های الهی فراخوانده و از اسراف و تبذیر برحذر داشته است: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ و بخورید و بیاشامید و [الی] زیاده‌روی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی‌دارد» (اعراف/۳۱). یکی از مصادیق این راهکار، میانه‌روی اقتصادی است؛ چنانکه قرآن کریم حتی در بخشش مال و انفاق از اسراف و زیاده‌روی بر حذر داشته و می‌فرماید: «وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا؛ و کسانی‌اند که چون انفاق کنند، نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند، و میان این دو [روش] حد وسط را برمی‌گزینند» (فرقان/۶۷).

از برجسته‌ترین مصادیق نهی از اسراف، ساده‌زیستی و عدم تعلق به تجملات است. ساده‌زیستی از شئون اسلامی است. تجمل‌پرستی و روی آوردن به تشریفات یکی از موانع جدی بر سر راه اصلاح الگوی مصرف و پیشرفت‌های اقتصادی است. قرآن کریم در راستای فرهنگ‌سازی در درست مصرف کردن و ایمن‌سازی از فرو افتادن در دام تشریفات و تجملات به مسلمانان دستور می‌دهد که دیدگان خود را به ثروت اشراف ندوزند، مبدا شوق به تجمل‌پرستی در جان آنها شعله زند و آنان را به سوی تشریفات سوق دهد: «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ رِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَ أَبْقَىٰ؛ اگر زنان و مردانی از آنها را از یک زندگی خوش بهره‌مند ساخته‌ایم، تو به

آنها منگر. این برای آن است که امتحانشان کنیم. رزق پروردگارت بهتر و پایدارتر است» (طه/۱۳۱). «لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ مِثْلَ الْخَالِفِينَ» (حجر/۸۸).

در کلام و سیره علوی به استفاده درست از یکسو و قناعت از سوی دیگر و همچنین ساده‌زیستی تأکید فراوان شده است؛ چنانکه امام علی (ع) در نامه‌های متعدد به حکمرانان خود آنان را به ساده‌زیستی و قناعت فرا می‌خواند (ر.ک: نهج البلاغه، نامه ۳ و ۴۵). علت تأکید بر قناعت و ساده‌زیستی و پرهیز از اسراف، آثار آن بر اقتصاد خانواده در سطح خرد و اقتصاد جامعه در سطح کلان می‌باشد. در فرهنگ علوی میانه‌روی و قناعت، رمز رفع فقر و تهی‌دستی است (همان، حکمت ۶۵۹) و آثار قابل توجهی برای آن بیان شده است (ر.ک: همان، حکمت ۳۷۱، نامه ۳۱).

شهید مطهری اشاره می‌کند که ما در شرح حال رسول اکرم (ص) می‌خوانیم: «کان رسول الله خفیف المؤمنه» اولین چیزی که در سیره ایشان به چشم می‌خورد این است که مردی بود سبک خرج، لباس و خوراکش و همچنین در نشست و برخاست و مسافرت بسیار ساده بود (مطهری، ۱۳۸۳: ۹۲). ایشان می‌نویسد: میان کم برداشت کردن و کم مصرف کردن از یک طرف و زیاد بازدهی از طرف دیگر رابطه وجود دارد. بازدهی‌های بشری چه در بخش عاطفه و اخلاق و چه در قسمت تعاونی‌ها و همکاری‌های اجتماعی و چه از نظر اقتصادی و چه از نظر شرافت و حیثیت انسانی و چه از نظر عروج و صعود روحی، همه و همه رابطه معکوس دارند.

برداشت‌ها و برخورداری‌های مادی انسان این ویژگی را دارد که برداشت و برخورداری زیاد از ماده و طبیعت و تنعم و اسراف در لذات، او را از آنچه هنر و کمال انسانی نامیده می‌شود، ضعیف‌تر و بی‌بارتر می‌سازد (مطهری، ۱۳۷۸: ۲۶۰-۲۶۱).

۳-۳. راهکارهای اجرایی جهت ریشه‌کن کردن فقر و فاصله طبقاتی

از اهداف اصلی بعثت انبیاء الهی، اجرای عدالت اجتماعی و رفع فاصله‌های طبقاتی است که در فرهنگ علوی نیز همواره مورد توجه فراوان است. راهکارهای اجرایی مهم در این خصوص عبارتند از:

الف) اجرای عدالت اقتصادی

در مکتب اسلام، مردم و مسئولان به اجرای عدالت دعوت شده‌اند؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَأَنْكَلِفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ و پیمانانه و ترازو را به عدالت، تمام بپیمایید. هیچ کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی‌کنیم. و چون [به داوری یا شهادت] سخن گویند دادگری کنید، هر چند [درباره] خویشاوند [شما] باشد. و به پیمان خدا وفا کنید. اینهاست که [خدا] شما را به آن سفارش کرده است، باشد که پند گیرید» (انعام/ ۱۵۲). عدالت اقتصادی در جامعه، رمز شکوفایی و پیشرفت جامعه است و حکومت عادلانه امیرالمؤمنین علی (ع) الگویی همه‌جانبه در این زمینه به‌شمار می‌رود. در کلام و سیره علوی به اهمیت عدالت در تمام زمینه‌ها توجه شده است؛ به لحاظ تکوینی در عالم آفرینش (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۵) و به لحاظ استحقاقی در عالم تشریح (همان، خطبه ۳۷) بر جایگاه عدالت و اجرایی کردن آن

تأکید شده است. در فرهنگ علوی عدالت به خاطر آثار قابل توجهی که دارد مورد توجه است؛ آثاری که به لحاظ دنیوی و اخروی در جامعه اسلامی هویدا می‌شود (ر.ک: همان، حکمت ۷۴۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۸۳/۸۷؛ تمیمی آمدی، ۱۳۷۹: ۵۰) و اصل عدالت بر پایه عدالت حاکمان (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶) و عدالت‌محوری با مردم (همان، نامه ۲۷) استوار است. امام علی (ع) درباره اجرای همه‌جانبه عدالت و کمک به محرومان می‌فرماید: «به خدا سوگند که داد ستم‌دیده را از آن که بر او ستم کرده بستانم و مهار ستمکار را بگیرم و به ناخواه او را تا به آب‌شخور حق کشانم» (همان، خطبه ۱۳۶). همچنین می‌فرماید: «به خدا اگر هفت اقلیم را با آنچه زیر آسمانهاست به من بدهند تا خدا را نافرمانی نمایم و پوست جویی را از مورچه‌ای به ناروا بربایم چنین نخواهم کرد» (همان، خطبه ۲۲۴). در فرهنگ علوی، عدالت در معنایی کمک به مستمندان است تا از انزوای اقتصادی رها شوند؛ چنانکه امام (ع) در نامه‌ای به یکی از فرماندارانش می‌نویسد: «و در مال خدا که نزد تو فراهم شده بنگر و آن را به عیال‌مندان و گرسنگانی که نزدیکت هستند بده و آنان که مستمندند و سخت نیازمند» (همان، نامه ۶۷).

امام علی (ع) نسبت به بیت‌المال که درآمد ملی حکومت بود و از راه‌های گوناگونی مانند غنایم جنگی و اخذ مالیات به دست می‌آمد، چنان حساس بود و نسبت به آن دقت و دلسوزی می‌کرد که وقتی شبی طلحه و زبیر بر او وارد شدند، امام (ع) چراغی را که در برابرش بود، خاموش کرد و فرمود تا چراغی از خانه برایش آوردند. طلحه و زبیر سبب این کار را پرسیدند، امام (ع) فرمود: «روغن چراغ از بیت‌المال است. سزاوار نیست با شما با روشنایی آن همنشینی

کنم» (همان، نامه ۲۰). در سیره دیگر معصومان (ع) نیز بر اهمیت عدالت و اجرای آن تأکید فراوان شده است (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۴: ۱/۳۸۹؛ ابن شهرآشوب، بی تا: ۴/۳۲۸؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ۲/۱۶۶). عدالت اقتصادی از چنان اهمیتی برخوردار است که با رعایت آن، فقر و تنگدستی از جامعه رخت برمی بندد و به فراخور آن فسادهای اقتصادی به طور چشمگیری کاهش پیدا می کند. غایت عدالت اقتصادی، جامعه‌ای همگون و به دور از فاصله طبقاتی است که همواره مورد تأکید آموزه‌های اسلامی است.

ب) تشویق به قرض الحسنه

از راهکارهای مهم اقتصادی قرآن در فقرزدایی و کمک به اقشار کم درآمد جامعه، تشویق به قرض الحسنه است: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ؛ کیست آن کس که به خدا وامی نیکو دهد تا [نتیجه‌اش را] برای وی دوچندان گرداند و او را پاداشی خوش باشد» (حدید/۱۱). این آیه شریفه مطلق است و شامل مؤمنین هر امتی می شود و اختصاص به امت اسلام ندارد (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۱۹/۲۷۳). در فرهنگ علوی بر اهمیت قرض الحسنه و نهی از ربا توجه ویژه‌ای شده و آثار قابل توجهی برای این عمل بیان گردیده است (کلینی، ۱۳۶۴: ۴/۱۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۰۳/۱۳۹). امیرالمؤمنین علی (ع) در وصیت به فرزندش امام حسن (ع) می فرماید: اگر کسی در حال بی‌نیازیت از تو قرض خواست، آن را غنیمت بشمار تا اینکه در روز تنگدستی و احتیاج، او نیز قرض تو را جبران نماید» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). احادیث فراوان دیگری نیز از معصومین (ع) موجود است که همه حاکی از اهمیت والای این سنت حسنه می باشد. تشویق به قرض الحسنه از یکسو و

نهی از رباخواری از سوی دیگر ثمرات قابل توجهی بر اقتصاد کشور به دنبال خواهد داشت. قرض الحسنه نه تنها به شرایط بحرانی نیازمندان کمک می‌کند بلکه باعث جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از فقر نیز می‌گردد و از سوی دیگر، برعکس ربا که عاملی برای ثروتمندتر شدن اغنیا و فقیرتر شدن فقراست، عاملی در جهت کمک به اقشار نیازمند است.

ج) حمایت اقتصادی از اقشار آسیب‌پذیر

یکی از جوانب تحقق اقتصاد مقاومتی، رفع فاصله طبقاتی است. اسلام برای کم‌رنگ کردن و محو نمودن قشر فقیر و محروم جامعه راهکارهایی ارائه داده که مهمترین آنها صدقه، انفاق، اطعام، زکات و خمس می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۱۷ / ۲۱۹). فقر در یک نگاه کلی دو آسیب جدی با خود به همراه دارد: یکی به لحاظ فردی که شخص فقیر ممکن است به وادی کفر و ضلالت کشیده شود و اعمال ناشایستی همچون دزدی و ... انجام دهد و دیگر به لحاظ اجتماعی که فقر علاوه بر مشکلات اقتصادی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی عدیده‌ای را در جامعه به همراه خواهد آورد و باعث می‌شود جامعه از مسیر کمال و سعادت منحرف شده، بی‌امنیتی و عدم آرامش در آن حکمفرما گردد. به دلیل همین آثار سوء فقر، در آموزه‌های علوی بر مذمت آن تأکید شده است؛ چنانکه امام علی (ع) فقر را بزرگترین مرگ قلمداد می‌کند (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۳) و آن را مایه سرگردانی عقل و علت دشمنی می‌داند (همان، حکمت ۳۱۹).

در فرهنگ علوی برای ریشه کن کردن فقر در جامعه سه راهکار اساسی بیان شده است: ۱) راهکار اول در رابطه با فقرا می‌باشد که به آنها تأکید می‌کند در هر

شرایطی به کار سالم روی آورند و از تنبلی و سستی بپرهیزند (ر.ک: تمیمی آمدی، ۱۳۷۹: ۵۹۷). ۲) راهکار دوم در رابطه با ثروتمندان است که با انفاق مال خود فقر را ریشه کن کنند. انفاق مال علاوه بر اینکه از خطرهای اجتماعی و روانی جلوگیری می‌کند، باعث بهره‌مندی از نعمت‌های جاوید خداوند متعال خواهد شد و می‌تواند یکی از عوامل رسیدن به توسعه اقتصادی مطلوب باشد؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ ... وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ مَثَلُ [صَدَقَاتِ] كَسَانِي كِه اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند همانند دانه‌ای است ... و خداوند برای هر کس که بخواهد [آن را] چند برابر می‌کند و خداوند گشایشگر داناست» (بقره/ ۲۶۱). این مثل در امثال ذرت و آفتابگردان و نظیر آنها وقوع خارجی دارد که واقعاً یک دانه مبدل به هفتصد دانه بلکه بیشتر می‌شود و، در سنبل گندم تا هشتاد دانه شمرده شده است؛ از اینرو باید گفت «سبیل الله» معنای وسیعی است و نمی‌توان آن را به جهاد منحصر کرد (نجفی خمینی، ۱۳۹۸م: ۲/ ۱۴۷). در فرهنگ علوی بر اهمیت انفاق و آثار آن توجه ویژه‌ای شده است (قرشی، ۱۳۷۷: ۱/ ۴۹۹)؛ چنانکه امام علی (ع) می‌فرماید: «مؤمن در حالی که برادر دینی وی گرسنه است سیر نمی‌خورد» (رشاد، ۱۳۸۵: ۱۸۲). این سخن امام (ع) حاکی از انفاق و توجه به نیازمندان است. در واقع انفاق علاوه بر حمایت اقتصادی از قشر آسیب‌پذیر، باعث توسعه اقتصادی نیز می‌شود (ر.ک: غضنفری و محمدی، ۱۳۹۰: ۱۰۸-۱۱۳). ۳) راهکار سوم وظیفه دولت نسبت به نیازمندان است. امام (ع) در این خصوص در نامه‌ای به یکی از فرمانداران خود می‌نویسد: «برای تو در این زکاتی که جمع می‌کنی سهمی معین و حقی

روشن است و شریکانی از مستمندان و ضعیفان داری همان گونه که ما حق تو را می‌دهیم تو هم باید نسبت به حقوق آنان وفادار باشی» (نهج البلاغه، نامه ۲۶).

۳-۴. راهکارهای اجرایی جهت استقلال و اقتدار اقتصادی

استقلال سیاسی یک کشور مرهون استقلال اقتصادی آن است و هر کشوری ولو با داشتن استقلال سیاسی بدون داشتن استقلال اقتصادی، رو به زوال خواهد گذاشت و دشمنان آن با انواع خدعه‌ها و تحمیل تحریم‌ها، استقلال سیاسی‌اش را متزلزل خواهند ساخت. رسیدن به استقلال اقتصادی غایت اقتصاد مقاومتی است. استقلال اقتصادی تلاشی همه‌جانبه را می‌طلبد که با نهادینه‌سازی فرهنگ اتکاء به تولید داخلی و حمایت از آن و پرهیز از استفاده از کالاهای قاچاق ممکن خواهد بود. همه راهکارهایی که در موارد پیشین مورد اشاره قرار گرفت مرتبط با استقلال اقتصادی یک جامعه است، علاوه بر آنها، به برخی دیگر از این راهکارها اشاره می‌گردد.

الف) برنامه‌ریزی صحیح اقتصادی

اقتصاد سالم و پویا و اسلامی موجب رونق و شکوفایی اقتصاد جامعه می‌شود و جامعه را به رشد و تکامل دنیوی و اخروی می‌رساند. این مهم در پرتو برنامه‌ریزی درست اقتصادی محقق می‌گردد؛ چنانکه در سوره یوسف نمودی از آن بیان گردیده است: «قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابًّا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ؛ گفت: هفت سال پی در پی می‌کارید و آنچه را درویدید - جز اندکی را که می‌خورید- در خوشه‌اش واگذارید» (یوسف/۴۷).

در فرهنگ علوی به برنامه‌ریزی در زندگی و در رأس آن برنامه‌ریزی اقتصادی توجه ویژه‌ای داشته شده و از آثار آن به تأمین روزی و دور شدن از

فقر (متقی هندی، ۱۴۰۹ق: ۱۸۸ / ۷) و شرف اندیشی در زندگی (همان، ۵۰ / ۳) اشاره شده است. اهمیت برنامه‌ریزی اقتصادی تا آنجاست که پیامبر اکرم (ص) در نهی از بی‌برنامگی می‌فرماید: «بر امت خویش نه از فقر، که از برنامه‌ریزی نادرست بیم دارم» (ابن ابی جمهور احسائی، ۱۴۰۳ق: ۳۹ / ۴). امام علی (ع) نیز در اهمیت برنامه‌ریزی اقتصادی می‌فرماید: «برنامه‌ریزی درست، مال کم را افزایش می‌بخشد و برنامه‌ریزی نادرست، مال بسیار را نابود می‌کند» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۹: ح ۴۸۳۳). در همین زمینه امام باقر (ع) می‌فرماید: «رسیدن به درجات عالی کمال انسانی در سایه سه چیز امکان‌پذیر است: فهم دین و شناخت آن، داشتن عزمی بلند و همتی استوار در برابر مصائب و مشکلات و اندازه نگه‌داشتن در امور مربوط به معیشت و زندگی اقتصادی» (کلینی، ۱۳۶۴: ۱ / ۱۳۲). همچنین در حدیثی دیگر آمده است: «تدبیر خوب زندگانی و برنامه‌ریزی درست اقتصادی از نشانه‌های انسان‌های باایمان است» (حر عاملی، ۱۴۰۳ق: ۴۲ / ۱۲). اگر برنامه‌ریزی درست اقتصادی صورت گیرد و در همه اقشار اجرایی شود، کسب روزی حرام کم‌رنگ و حتی ریشه‌کن شده و جامعه رونق اقتصادی می‌گیرد و فقر و فاصله طبقاتی از میان می‌رود. اقتصاد پویا و کارآمد، امکانات وسیعی برای رشد سایر استعدادهای انسانی فراهم می‌سازد و نداشتن نظام اقتصادی درست باعث اختلال در امکانات و رشد و شکوفایی دیگر بخش‌های زندگی می‌گردد. در جهان امروز، وجود برنامه‌ها و تصمیم‌های صحیح اقتصادی می‌تواند سرنوشت و آینده یک جامعه را تحت تأثیر قرار دهد تا جایی که می‌توان گفت حتی گسترش و تکامل معنوی یک جامعه و دفاع از

کیان جامعه اسلامی و مبارزه با مفسد اخلاقی و تأمین بهداشت همگانی منوط بر اقتصاد سالم است.

ب) تشویق بر استقلال و اقتدار اقتصادی

غایت اقتصاد مقاومتی، رسیدن به استقلال اقتصادی در همه زمینه‌هاست. قرآن کریم در آیات مختلف اقتدار و استقلال جامعه اسلامی را متذکر شده و می‌فرماید: «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ؛ و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان - که شما نمی‌شناسید و خدا آنان را می‌شناسد - بترسانید و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت» (انفال/۶۰).

در فرهنگ علوی نیز با ارائه راهکارهای متعدد به استقلال اقتصادی و عدم نیاز به بیگانگان تشویق شده است (ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۱۸۵؛ برقی قمی، بی تا: ۵۵؛ قریشی، ۱۳۶۶: ۶؛ جرداق، ۱۳۷۶: ۱/۲۳۵؛ کلینی، ۱۳۶۴: ۵/۱۱۳؛ عروسی حویزی، بی تا: ۱/۴۷۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۳ق: ۱۷/۴۲۵؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق: ۲۸۵؛ برقی، ۱۴۱۶ق: ۲/۱۷۸). باید توجه داشت که استقلال اقتصادی در فرهنگ علوی مرهون تلاش همه‌جانبه افراد جامعه است و تک تک اعضای جامعه می‌توانند در استقلال اقتصادی نقش داشته باشند. وقتی افراد جامعه به تولید و مصرف کالاهای داخلی روی بیاورند و مسئولان پایبند به عدالت اقتصادی باشند و در بهره‌مندی از بیت‌المال تبعیض قائل

نشوند، فقر و اختلاف طبقاتی از میان خواهد رفت و رونق اقتصادی هویدا می‌گردد. با برنامه‌ریزی صحیح و همه‌جانبه اقتصادی و نهادینه ساختن سیره علوی در ارائه راهکارهای عملی می‌توان غایت اقتصاد مقاومتی را که اقتصادی سالم و فعال و مقتدر و مستقل است فراهم نمود.

نتیجه‌گیری

براساس آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که در فرهنگ علوی راهکارهای اجرایی اقتصاد مقاومتی در دو حیطه فردی و اجتماعی نمایان است. راهکارهای اجرایی اقتصاد مقاومتی مبتنی بر فرهنگ علوی در چهار محور اصلی اشتغال‌زایی (توسعه فرهنگ تلاش و کوشش و توجه به تولید و نقش اقتصادی آن)، رفع مفسد اقتصادی (انضباط اقتصادی، نهی از استفاده از کالای قاچاق، پرهیز از اسراف)، ریشه‌کن کردن فقر و فاصله طبقاتی (اجرای عدالت اقتصادی، تشویق به قرض‌الحسنه، حمایت اقتصادی از اقشار آسیب‌پذیر)؛ استقلال و اقتدار اقتصادی (برنامه‌ریزی صحیح اقتصادی، تشویق بر استقلال و اقتدار اقتصادی) خلاصه می‌شود. هدف اقتصاد مقاومتی تأمین آسایش و رفاه عمومی، رفع فقر و فاصله طبقاتی و اجرای عدالت اقتصادی از یکسو و استقلال و اقتدار اقتصادی از سوی دیگر می‌باشد و غایت آن تحقق بخشیدن به آرمان‌های حکومت اسلامی است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، تهران: مطبعه الأفتاب، ۱۳۷۶ق.
۴. ابن حزم الاندلسی، ابو محمد، المحلی بالاثار، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
۵. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب (ع)، نجف: المطبعه الحیدریه، بی تا.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارلسان العرب، ۱۹۷۰م.
۷. احسائی، ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، تحقیق مجتبی عراقی، قم: مطبعه سید الشهداء، ۱۴۰۳ق.
۸. ایروانی، جواد، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۴.
۹. برقی قمی، سید علی اکبر، جلوه حق در سیرت مولای متقیان امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام، تهران: انتشارات حافظ، بی تا.
۱۰. برقی، ابی جعفر احمد بن محمد، المحاسن، تحقیق سید مهدی رجائی، قم: الجمع العالمی لاهل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۶ق.
۱۱. تمیمی آمدی، غررالحکم و درر الکلم، قم: انتشارات محدث، ۱۳۷۹.
۱۲. جرداق، جرج، امام علی علیه السلام صدای عدالت انسانی، ترجمه سید هادی خسروشاهی، قم: نشر خرم، ۱۳۷۶.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۷.
۱۴. -----، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۸.

۱۵. حر عاملی، محمدحسن، *وسائل الشیعه*، تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۳ق.
۱۶. دهخدا، علی اکبر، *لغتنامه دهخدا*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۱۷. روح الامینی، محمود، *مبانی انسان‌شناسی*، تهران: انتشارات عطار، ۱۳۷۴.
۱۸. رفیع، جلال، *فرهنگ مهاجم، فرهنگ مولد*، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳.
۱۹. زاهد، سید سعید، «امر به معروف و نهی از منکر با تأکید بر حقوق شهروندی»، *مجموعه مقالات*، ستاد امر به معروف و نهی از منکر شیراز، ۱۳۸۷.
۲۰. -----، «مقایسه پرستش فردی و اجتماعی»، *دوفصلنامه پژوهشنامه مطالعات تطبیقی فرهنگ اسلام و ایران*، س ۱، ش ۱، ۱۳۹۰.
۲۱. زبیدی، سید محمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق.
۲۲. طباطبائی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمدباقر موسوی، تهران: انتشارات بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۷.
۲۳. عروسی حویزی، شیخ عبد علی بن جمعه، *تفسیر نورالثقلین*، قم: مطبعه العلمیه، بی تا.
۲۴. علیزاده، حسین و همکاران، *دولت و فرهنگ دینی بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری*، تهران: انتشارات عرش پژوه، ۱۳۸۴.
۲۵. عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، تهران: نشر فرهنگ اندیشمندان، ۱۳۸۸.
۲۶. غضنفری، علی؛ محمدی، باب‌الله، «توسعه اقتصادی از منظر قرآن کریم»، *فصلنامه آفاق دین*، س ۲، ش ۷، ۱۳۹۰.
۲۷. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۴.

۲۸. قرشی، سید علی اکبر، احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۷.
۲۹. قریشی، شریف، کار و حقوق کارگر، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران: انتشارات علمیه اسلامی، ۱۳۶۴.
۳۱. متقی هندی، علاءالدین، کنز العمال، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۳۳. مطهری، مرتضی، احیای تفکر اسلامی، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۳.
۳۴. -----، سیری در نهج البلاغه، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۸.
۳۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۳۶. مفید، محمد، الارشاد، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲.
۳۸. نادعلی، فاطمه، «تشویق به کار و تلاش از منظر قرآن و روایات»، فصلنامه کوثر، ش ۴۲، ۱۳۹۱.
۳۹. نجفی خمینی، محمدجواد، تفسیر آسان، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۸م.
۴۰. وثوقی، منصور؛ نیک خلق، علی اکبر، مبانی جامعه شناسی، تهران: انتشارات خردمند، ۱۳۸۶.